

## ناهید افشاریه\*

### چکیده

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و مدل دو قطبی حاکم بر نظام بین‌الملل در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، آثار و پیامدهای مهمی را در پی داشت. منطقه آسیای مرکزی به عنوان بخشی از گستره حوزه تمدنی ایران، از جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. وجود اشتراکات و پیوندهای تاریخی و فرهنگی بین ایران و آسیای مرکزی و نیز پتانسیل‌های عظیم نفت و گاز، بازار مناسب برای کالاهای ایرانی و از همه مهم‌تر محور بودن این منطقه در خشکی و استفاده از قلمرو ایران به عنوان اقتصادی‌ترین مسیر برای این کشورها، به نوعی موجب شده تا زمینه‌های مناسبی برای گسترش مناسبات فراهم گردد. پس از فروپاشی شوروی و ایجاد جامعه مستقل مشترک المنافع، تمایل بسیاری از کشورهای قدرتمند منطقه‌ای و بین‌المللی به این منطقه جلب گردید. از جمله این کشورها جمهوری اسلامی ایران بود که با توجه به نزدیکی تاریخی و فرهنگی با کشورهای منطقه، به تقابلی شدید فرا خوانده می‌شود. در این مقاله مؤلف با بهره‌گیری از الگوی نظری، به بررسی امکان سنجی مناسبات راهبردی ایران با منطقه و کشورهای کلیدی آن می‌پردازد. همچنین راه‌های گسترش همکاری ایران و کشورهای آسیای مرکزی به‌طور ویژه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

کلیدواژه‌ها: همکاری و رقابت، هم‌سویی و روابط راهبردی، قدرتهای فرامنطقه‌ای، آسیای مرکزی، چالشهای امنیتی

\* دکترای جغرافیای سیاسی

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال چهاردهم، شماره ۲ و ۳، تابستان و پاییز ۱۳۸۶، صص ۱۵۲-۱۲۳

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، موقعیت ژئوپلیتیک ایران در کنار جغرافیای اقتصادی آسیای مرکزی، وضعیتی را به جود آورد<sup>۱</sup> تا قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای توجه خاصی را به این حوزه استراتژیک معطوف داشته و به دنبال کسب منافع خود باشند.<sup>۲</sup> سرزمین آسیای مرکزی شامل پنج کشور ازبکستان، قزاقستان، ترکمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان با وسعتی در حدود چهار میلیون کیلومتر (۳۹۹۳۹۰۰) و جمعیتی حدود ۵۰ میلیون نفر که بیش از سه چهارم آن مسلمان سنی و حنفی مذهب هستند، از شمال به روسیه، از جنوب به افغانستان و ایران، از غرب به دریای خزر و از شرق به چین محدود می شود.<sup>۳</sup> جمهوریهای پنج گانه آسیای مرکزی دارای ویژگیهای منحصر به فرد زیر هستند:

نخست اینکه، آسیای مرکزی از لحاظ جغرافیایی در محل تقاطع اروپا در غرب و آسیا در شرق واقع شده و از سوی شمال نیز به روسیه و از جنوب به جهان اسلام محدود است.<sup>۴</sup> دوم، آسیای مرکزی منطقه ای است محصور در خشکی، بی آنکه مستقیماً به دریا راه داشته باشد. لذا از طریق عبور از خاک همسایگانش به آبهای آزاد جهان راه پیدا می کند.<sup>۵</sup> سوم، آسیای مرکزی دارای منابع طبیعی به ویژه گاز و نفت و فلزاتی نایاب در منطقه بوده و از شرایط مناسبی جهت کشت پنبه و سایر محصولات کشاورزی برخوردار است. چهارم، آسیای مرکزی در محل تقاطع فرهنگی میان شرق و غرب واقع شده است، به طوری که با فرهنگ ترکی و اسلامی پیوندهای دیرینه دارد. از نظر تاریخی نیز منطقه مدتها در مسیر جاده ابریشم قرار داشته و فرهنگ غرب هم از همین مسیر به شرق نفوذ کرده است.<sup>۶</sup> پنجم، از نظر ژئواستراتژیک آسیای مرکزی نشانگر گونه ویژه ای از کنشها و واکنشها در بخش پهناوری از گیتی است. آسیای مرکزی تنها منطقه جهان است که چهار قدرت هسته ای روسیه، چین، پاکستان و هند را به هم وصل می کند.<sup>۷</sup> ششم، از منظر جغرافیای اقتصادی نیز این منطقه حائز اهمیت است که ویژگیهای زیر را در این رویکرد شامل می شود:

۱. پایان انزوای این منطقه از جهان و شرایط مساعد جغرافیایی به منزله آن است که این کشورها که در نقطه تقاطع دو قاره بزرگ واقع شده اند، می توانند به عنوان یک پل

ارتباطی میان اروپا و آسیا نقش ایفا نمایند؛<sup>۸</sup>

۲. برقراری روابط عادی با کلیه کشورهای همسایه امکان پذیر شده است؛

۳. به سبب اهمیت روزافزون عوامل اقتصادی در روابط بین الملل و صنایع غنی انرژی، فلزات و بنیاد کنونی صنعتی و کشاورزی و مسایل تکنولوژیک، کشورهای آسیای مرکزی می توانند توسعه خود را در ارتباط با اقتصاد جهان تسریع کنند؛

۴. فرایند منطقه ای شدن اقتصادهای جهان به موازات بین المللی شدن آنها، که به سهم خود می تواند همکاریهای اقتصادی منطقه ای کشورهای آسیای مرکزی را بر مبنای نیازهای آنان و همچنین همکاریهای اقتصادی آنها با سایر کشورهای هم جوار اعتلا بخشد.<sup>۹</sup> علاوه بر آن مؤلفه هایی چون استقرار در نزدیکی تقاطع آسیا و اروپا، قرابت ارضی با قدرتهای مهمی چون چین، روسیه، ایران و پاکستان، دارا بودن دومین مخازن بزرگ انرژی دنیا همچون معادن غنی طلا (به عنوان نمونه معدن کشور ازبکستان ۹۹/۹۹ درصد خالصی دارد)، مس، اورانیوم و سایر فلزات سنگین، تنوع محصولات کشاورزی، جمعیت رو به رشد، توانمندی بالقوه برای رشد و پرورش فرهنگ اسلامی و بازار مصرف بیش از ۵۰ میلیونی، جایگاه ممتازی به این کشورها بخشیده است، به طوری که برخی صاحب نظران از این منطقه به عنوان «قلب آسیا» نام برده اند. وضعیت یاد شده در کنار مواردی چون فقدان ظرفیت سازی، مشخص نبودن موقعیت دولت نسبت به جامعه و به طور کلی ناکارآمدی فرایند ملت و دولت سازی، اختلافات متعدد ارضی و مرزی، تنوع قومی - قبیله ای و جنگهای داخلی، عدم دسترسی به آبهای گرم بین المللی و محصور بودن در خشکی، جمهوریهای منطقه را از لحاظ امنیتی آسیب پذیر ساخته و در چنین شرایطی، دعوت از قدرتهای خارجی جهت تسهیل رشد اقتصادی به عنوان کم هزینه ترین بدیل برگزیده شده است.<sup>۱۰</sup> چنین ضرورتی، دولتهای منطقه را در شرایطی قرار داده است که آنها به طور مستقیم و بدون هیچ واسطه ای با شرکتهای چندملیتی وارد مذاکره می شوند. هم اکنون شرکتهای عظیمی چون شورون، اکسون، کونکو، و برخی شرکتهای خاور دور مثل دوو که بیش از یک میلیارد دلار در ازبکستان سرمایه گذاری کرده و میتسویشی که در محصولات نفتی سرمایه گذاری کرده است، با مقامات سیاسی منطقه وارد مذاکره

شده اند که این امر موجب تشدید رقابت بین قدرتهای منطقه ای و بین المللی گردیده است.<sup>۱۱</sup> اغلب سرمایه گذارها متعلق به شرکتهای آمریکایی است.

اتحادیه اروپا هم برنامه های وسیعی برای رقابت در منطقه تدارک دیده است. ۲۸ درصد از ۱۵/۵ میلیارد سرمایه گذاری انجام شده در سواحل دریای خزر متعلق به شرکتهای اروپای غربی است. اتحادیه اروپا قصد دارد تا سال ۲۰۱۰ حدود ۱۷/۴ میلیارد دلار در مناطق غیر ساحلی، ۲۴/۵ میلیارد دلار در منابع ساحلی دریای خزر و حدود ۱۳/۷ میلیارد دلار در طرحهای انتقال انرژی منطقه سرمایه گذاری کند.

با وجود ویژگیهای ایران در منطقه آسیای مرکزی مانند: مرزهای مشترک آبی و زمینی، مشترکات فرهنگی و مذهبی، منافع مشترک در زمینه مسایل دریای خزر، امکان دسترسی به بازار بکر منطقه، موقعیت ترانزیتی ایران از جهت دستیابی به خلیج فارس و اقیانوس هند، این پرسش اساسی مطرح می شود که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک بازیگر مهم در منطقه با تحلیل منافع خود در سطوح داخلی، منطقه ای و بین المللی، چگونه و تا چه سطحی می تواند با کشورهای یاد شده، هم سویی داشته باشد و حتی در مواقع حساس، همکاری و هم سویی راهبردی پیشه کند؟ آیا اساساً چنین امکانی قابل تصور است؟ زمینه ها و موانع این همکاری و هم سویی کدامند؟ و بالاخره اینکه، ایران چگونه و تا چه اندازه می تواند به یک هم سویی قابل اعتماد با کشورهای آسیای مرکزی امیدوار باشد؟ در پاسخ به این پرسشها می توان فرضیه اصلی پژوهش را بدین ترتیب مطرح نمود که ایران و آسیای مرکزی ممکن است با توسل به یک رویکردی اقتصادی، به یک هم سویی راهبردی دست یابند.

در تجزیه و تحلیل مقدماتی، نخست باید فضای امنیتی منطقه را مورد بررسی نظری قرار داد. منطقه آسیای مرکزی به دلیل گوناگونی و غنای منابع انرژی و بهره مندی از موقعیت راهبردی، به ویژه پس از فروپاشی کمونیسم، مورد توجه قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای قرار گرفت. تنگناهایی چون نا آرامیهای قومی، افراط گرایی مذهبی، قاچاق مواد مخدر، انتقال غیرقانونی جنگ افزارها به کشورهای منطقه، نا آرامیهای منطقه ای، درگیریها در افغانستان و تاجیکستان، مسایل زیست محیطی، تروریسم و غیره، منطقه را تا حدودی ناامن

نموده است. ثبات سیاسی و امنیتی در آسیای مرکزی ممکن است تابع هفت خطر بالقوه باشد: ۱. افراط گرایی مذهبی؛ ۲. بلاتکلیفی در مرزهای جغرافیایی و قومی؛ ۳. ملی گرایی قومی اقلیت روس؛ ۴. خطر ایجاد و گسترش رو به رشد باندهای مافیایی قاچاق مواد مخدر؛ ۵. عملیات تروریستی؛ ۶. فساد مالی و قاچاق اسلحه؛ و ۷. مسئله دفن زباله های هسته ای اتحاد جماهیر شوروی سابق در آسیای مرکزی.<sup>۱۲</sup>

هرچند که نوع درگیریها و بحرانها در آسیای مرکزی ریشه و منشأ درونی داشته و در مواردی هم از رقابت قدرتهای پیرامونی و فرامنطقه ای سرچشمه گرفته است، اما این شرایط از توانایی بالقوه ای برای به چالش کشیدن امنیت کشورهای هم مرز با این منطقه و از جمله ایران برخوردارند. علاوه بر این، سلسله دیگری از بحرانها نیز وجود دارند که متأثر از فضای بیرونی و نگرش قدرتهای بزرگ از جمله آمریکا و روسیه، تأثیر فزاینده ای بر ساختار امنیتی این منطقه می گذرانند. در واقع ضعفهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای حوزه آسیای مرکزی که نشأت گرفته از فروپاشی و خلأ قدرت شوروی است، بستر مناسبی را برای پذیرش رخنه خارجی و حضور بیگانگان فراهم آورده است.<sup>۱۳</sup> در ارزیابی تحولات منطقه آسیای مرکزی باید به جایگاه ایران که با کشور مهم ترکمنستان هم مرز است و قدرت فرامنطقه ای آمریکا که پس از ۱۱ سپتامبر به بهانه مبارزه با تروریسم به منطقه آمده، توجه جدی نمود. هدفهای این کشور را با توجه به نقش ایران در منطقه آسیای مرکزی می توان چنین ارزیابی کرد: ۱. تلاش در جهت انزوای ایران در آسیای مرکزی؛ ۲. جلوگیری از گسترش ایدئولوژی انقلاب اسلامی در منطقه آسیای مرکزی؛ ۳. جلوگیری از دستیابی کشورهای منطقه به آبهای گرم جنوب ایران؛ ۴. اعمال شیوه های پاداش و تنبیه اقتصادی به منظور همکاری نکردن با ایران؛ ۵. بهره برداری از حوادث ۱۱ سپتامبر جهت مخدوش کردن چهره ایران در منطقه آسیای مرکزی؛ و ۶. اعمال سیستم کنترل ایران با محوریت ترکیه و اسرائیل.

مناسبات جمهوری اسلامی ایران با پنج کشور آسیای مرکزی در پرتو تحولات فوق، قابل شناسایی و تخمین است. به منظور یافتن احتمال ائتلاف، هم گرایی و هم سویی بین هر مجموعه ای، این پرسش قابل طرح است که این وفاق و هم گرایی در چه موضوعی و با چه

مکانیسمی میسر است؟ به عبارت دیگر، بیشتر بحث پیرامون امکان هم‌گرایی بر نقش متغیرهای الگویی در تقسیم نظام منطقه‌ای (بر اساس تئوری کانتوری و اشپیگل) یا مؤلفه‌های هم‌گرایی متمرکز است. از سوی دیگر، سیاست خارجی کشورها می‌تواند تحت تأثیر دو عامل عمده شکل پذیرد: یکی محیط ذهنی یعنی همان ارزشها و تصورات سیاست‌گذاران و دیگری محیط عینی که خود شامل دو بخش محیط داخلی (شرایط داخلی کشور) و محیط بین‌المللی (محیط منطقه‌ای و محیط برکر، جهانی ۱۹۷۲، ۷). ارزشها، تصورات و نگرانیهای ملی سیاست‌گذاران بر آنچه که انجام دادنش برای آنان مطلوب است تأثیر می‌گذارد، اما محیط (داخلی، منطقه‌ای و جهانی) تعیین‌کننده چیزی است که دولتها قادر به انجام آن هستند؛<sup>۱۴</sup> شرایط محیط بین‌المللی (منطقه‌ای و جهانی) که شرایط سیستمی نامیده می‌شوند، از دو طریق بر رفتار و سیاست خارجی دولتها تأثیر می‌گذارند. نخست اینکه، شرایط سیستمی در اغلب موارد محدودیتها و در برخی موارد فرصتهایی ایجاد می‌کنند. این شرایط، محدوده ممکن برای کنش دولتها را مشخص می‌سازند. اما شرایط سیستمی از یک راه دیگر نیز بر رفتار و سیاست خارجی دولتها تأثیر می‌گذارند، بدین شکل که موجد برخی نیروهایی می‌شود که دولتها را به یک جهت خاص وا می‌دارد یا از آن باز می‌دارد. بدین ترتیب، اگر حتی شرایط سیستمی نتواند تأثیر بسزایی بر شکل‌گیری اولیه خط‌مشی‌های سیاست خارجی یک دولت داشته باشد، می‌تواند در موفقیت یا عدم موفقیت آن نقش محوری داشته باشد.<sup>۱۵</sup> در نتیجه، برای فهم سیاست خارجی کشورها (به ویژه کشورهای در حال توسعه) باید به سه عامل محدودیتها، فرصتها و فشارها توجه نمود. از این رو، بر این باور هستیم که در مورد سیاست خارجی کشورهای در حال توسعه باید بیشتر به محدودیتها توجه داشت تا مطلوبیتها. بنابراین، برای فهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و در نتیجه پیامدهای سیستمی برای امنیت ملی این کشور، عنوان سیاست خارجی محدودیت - محور در مقابل سیاست خارجی مطلوبیت - محور را به کار می‌بریم.

کانتوری و اشپیگل چهار متغیر الگویی را مطرح کرده‌اند که بر اساس آنها میزان همبستگی در هر منطقه، ارزیابی می‌شود. با این متغیرها، ضمن آنکه مرزهای مناطق را

می توان از هم تمایز داد، می توان عوامل ترکیب روابط رقابت آمیز همکاری میان کشورهای یک منطقه را نیز بازشناخت و دریافت که آنها بیشتر در جهت متغیرهای الگویی، شاخصه های مناسبی برای ارزیابی همبستگی میان دولتهای یک منطقه و سطح هم گرایی در آن منطقه محسوب می شوند. این چهار متغیر عبارتند از:

### ۱. ماهیت و میزان همبستگی

با توجه به ماهیت همبستگی می توان به میزان سازگاری جوامع سیاسی با یکدیگر پی برد؛ چرا که این متغیر الگویی درجه همگنی و همچنین مکمل بودن جوامع سیاسی را در یک منطقه به ما نشان می دهد و از این طریق چگونگی روابط متقابل بین واحدها را مشخص می سازد. از نظر کانتوری و اشیگل، همبستگی در یک منطقه را می توان با توجه به چهار جنبه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و سازمانی بررسی کرد.

### ۲. ماهیت ارتباطات

دومین متغیر از چهار جنبه برخوردار است:

الف. ارتباطات شخصی شامل پست و تلفن و دورنگار؛

ب. ارتباطات جمعی و رسانه های گروهی شامل مطبوعات و صدا و سیما؛

ج. نقل و انتقالات شامل راههای ارتباطی، خاکی، دریایی، هوایی و راه آهن؛

د. رفت و آمدها و مبادلات نخبگان شامل تبادل آموزشها مانند دانشجوی، جهانگردی و

دیدارهای دیپلماتیک در سطح منطقه ای.

عوامل گوناگونی می تواند هر یک از این چهار جنبه را تحت تأثیر قرار دهد. مناطق مختلف جهان از حیث این چهار جنبه تفاوت دارند و هر منطقه میزان و درجه متفاوتی از این جنبه ها را داراست. میزان و سطح بالا، متوسط و پایین هر یک از این جنبه ها نشانگر میزان امکان همبستگی در یک منطقه است. در مناطقی که ارتباطات در سطح بالایی است، همبستگی بسیار بیشتر از منطقه ای است که در آن ارتباطات در سطح پایینی قرار دارد.

### ۳. سطح قدرت

قدرت به عنوان سومین متغیر الگویی، به توانایی بالقوه و بالفعل و همچنین قصد و اراده یک کشور در جهت تغییر روند تصمیم‌گیری داخلی دیگر کشورها به منظور تطبیق سیاستهای آن کشورها با سیاست خود تعریف شده است. قدرت کشورها را می‌توان با توجه به عناصر مادی، نظامی و انگیزه‌ای ارزیابی کرد. مناطقی که کشورهای آن از نظر قدرت ضعیف‌تر هستند، بیشتر تحت تأثیر قدرتهای خارجی قرار دارند. نفوذ مؤثر قدرتهای خارجی در یک منطقه می‌تواند در صورتی که روند هم‌گرایی را هم‌سو با منافع خود ندانند، با مشکل مواجه سازند. از سوی دیگر، طبقه‌بندی کشورهای یک منطقه از نظر مؤلفه قدرت همراه با مشخص کردن چگونگی توزیع آن در سطح منطقه، جایگاه هر یک از کشورهای منطقه و میزان تأثیر و نقش آنها را در روند هم‌گرایی منطقه‌ای آشکار می‌سازد. در مناطقی که قدرت منطقه‌ای برتری حضور دارد، با حمایت این قدرت، روند هم‌گرایی منطقه‌ای تقویت می‌شود. در صورتی که یک منطقه با نفوذ قدرتهای منطقه‌ای روبه‌رو باشد، اگر این قدرتها با یکدیگر به سازگاری برسند و مشابه و مکمل یکدیگر باشند، امکان موفقیت روند هم‌گرایی وجود دارد. ولی در مناطقی که این قدرتها نه تنها هیچ‌گونه سازگاری با یکدیگر ندارند، بلکه در رقابت با هم برای کسب موقعیت برتر منطقه‌ای نیز به سر می‌برند، این امر هم‌گرایی را مختل می‌کند و به جای آن رقابتهای دایمی بروز می‌نماید. به طور کلی، می‌توان کشورها را از نظر میزان قدرت و نفوذی که دارند به هفت دسته تقسیم نمود: ۱. قدرتهای درجه اول؛ ۲. قدرتهای درجه دوم؛ ۳. قدرتهای متوسط؛ ۴. قدرتهای کوچک؛ ۵. دولتهای منطقه‌ای؛ ۶. دولتهای ذره‌ای؛ و ۷. مستعمرات.

### ۴. ساختار روابط

متغیر الگویی چهارم، خصوصیات روابط متقابل دولتهای یک منطقه را مشخص می‌کند. آنچه که در این متغیر الگویی مورد توجه واقع می‌شود، سه مسئله مهم است که عبارتند از:



الف. طیف روابط در یک منطقه: ساختار روابط میان دولت‌ها، طیف گسترده‌ای از روابط را در بر می‌گیرد که از همکاری نزدیک و به شکل بلوک شروع می‌شود و تا درگیری مستقیم نظامی امتداد می‌یابد. همکاری کشورها به سه شکل می‌تواند نمایان شود: ۱. بلوک؛ ۲. پیمانها و اتحادیه‌های نظامی؛ و ۳. همکاریهای محدود رقابت کشورها که خود به سه شکل ظاهر می‌شود؛ با توجه به شدت آنها از بیشتر به کمتر عبارتند از: ۱. درگیری مستقیم نظامی؛ ۲. بحران مستمر؛ و ۳. بن بست. بین همکاری و رقابت، وضعیت متقابل آن است که در آن، دولت‌ها وضع موجود را می‌پذیرند و تلاشی برای تغییر آن انجام نمی‌دهند.

ب. علل برقراری روابط کشورهای یک منطقه: روابط دولت‌ها همیشه و همه جا یکسان نیست. در روابط میان دولت‌ها ممکن است از یک سو عواملی برای رقابت وجود داشته باشد و از طرفی دیگر، عواملی برای همکاری یافت شود. بنابراین، بررسی اهمیت نسبی مسایلی که موجب رقابت و یا همکاری کشورهای یک منطقه می‌شوند، برای مطالعه سطح هم‌گرایی در آن منطقه ضرورت دارد. زمانی که دولت‌های یک منطقه در حالت منازعه و ستیز با یکدیگر به سر می‌برند، ماهیت مسایل مورد مناظره، میزان شدت مناظره را آشکار می‌کند. برای مثال منازعات مرزی با منازعات اقتصادی غالباً بیش از رقابت‌های نژادی، مذهبی، ایدئولوژیک و تاریخی به روابط دولت‌های یک منطقه آسیب می‌رساند. همچنین وقتی که میان دولت‌ها همکاری وجود دارد، علل و دلایل همکاری، پیوندهای قومی میان دولت‌ها را نشان می‌دهد. یک دشمن مشترک ممکن است بیش از منافع اقتصادی عامل پیوند میان دولت‌ها باشد. در وضعیت حاضر، مسایل اقتصادی برای همکاری، محرکهایی قوی‌تر از پیوندهای مذهبی محسوب می‌شوند.

ج. ابزارهای روابط: طیف روابط در یک منطقه همچنین از طریق کاربست نوع ابزارها در روابط دولت‌ها مشخص می‌شود. ابزارهای روابط به ما نشان می‌دهند که ماهیت روابط دولت‌ها چگونه است. آیا همکاری دارند یا در حالت رقابت به سر می‌برند و در هر یک از این حالات وحدت آن چقدر است؟ آیا رابطه موجود امکان تداوم دارد؟ بنابراین، نوع تکنیک‌ها یا ابزارها مانند توسل به اسلحه، جنگ‌های چریکی، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات که در قالب

دیپلماسی سنتی و یا به وسیله سازمانهای بین‌المللی در روابط میان دولتهای یک منطقه به کار برده می‌شوند، به طور غیرمستقیم وضعیت روابط و طیف روابط موجود را نشان می‌دهند. مثلاً نوع جنگی که در یک منطقه جریان دارد و یا نهادهایی که دولتها برای همکاری ایجاد کرده‌اند، به ما کمک می‌کند که چگونگی روابط کشورهای یک منطقه را توضیح دهیم. میزان همکاری و رقابت میان دولتهای یک منطقه با مطالعه ساختار روابط آنها آشکار می‌شود که با توجه به آن می‌توانیم نتیجه بگیریم که روند جاری در یک منطقه بیشتر به سوی اقدامات جمعی و همکاری جویانه سوق پیدا می‌کند و یا در جهت رقابت و ستیزه است.<sup>۱۶</sup>

با طرح مؤلفه‌های هم‌گرایی فوق‌الذکر، می‌توان در قالبی تحلیلی، امکان ائتلاف و هم‌سویی بین کشورهای آسیای مرکزی و جمهوری اسلامی ایران را بررسی نمود. مرور مختصر موقعیت استراتژیک هر یک از کشورهای آسیای مرکزی، می‌تواند ما را در جهت کسب هدف فوق‌یاری نماید. از پنج کشور آسیای مرکزی فقط دو کشور ترکمنستان و قزاقستان با ایران مرز خاکی و آبی دارند و سه کشور دیگر که توضیح مختصری پیرامون آنها خواهیم داد، هیچ مرز مشترکی با ایران ندارند.<sup>۱۷</sup> بر این اساس در این مقاله، بیشتر پیرامون دو کشور ترکمنستان و قزاقستان بحث خواهیم کرد و به زمینه‌های هم‌گرایی و یا واگرایی می‌پردازیم.

## الف. ایران و سه کشور غیر هم‌جوار در آسیای مرکزی

### ۱. ازبکستان

اهمیت استراتژیک ازبکستان در منطقه بدین جهت است که این کشور در قلب آسیای مرکزی بین دو رود آمودریا و سیردریا قرار گرفته و با تمام جمهوریهای منطقه مرز مشترک دارد. همچنین، از سوی جنوب با افغانستان هم‌مرز است. این کشور به عنوان پرجمعیت‌ترین جمهوری این منطقه محسوب می‌شود و مردم آن با فرهنگ اسلامی پیوندهای دیرینه دارند. از لحاظ فرهنگی، مردم برخی از مناطق این کشور از قبیل سمرقند و بخارا هنوز به زبان فارسی سخن می‌گویند و حتی تاجیک‌های مقیم در این کشور، خواستار احیاء و گسترش فرهنگ و تمدن ایرانی هستند. بنابراین ترس از احیای فرهنگ فارسی و رشد حرکت‌های

اسلامی، موجب اعمال فشار و محدودیتها شده و با وقایع ۱۱ سپتامبر بهانه‌ای به وجود آمد تا دولت کریم اف فشار خود را بر گروه‌های اسلامی دو چندان نماید. از سوی دیگر، به بهانه مبارزه با تروریسم، در سه کشور ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان پایگاه‌های نظامی آمریکایی ایجاد گردید. همچنین، کنگره آمریکا به منظور مبارزه با اسلام‌گرایی مبلغ ۱۶۰ میلیون دلار به ازبکستان کمک نمود. اغلب سردمداران طالبان و نیروهای القاعده در مناطق اطراف افغانستان؛ از قبیل، جنوب قرقیزستان و تاجیکستان پنهان شده‌اند که در برخی موارد از مرزهای افغانستان وارد ایران گردیده و کشور ما را در معرض اتهام قرار داده‌اند.<sup>۱۸</sup>

### ۲. قرقیزستان

اهمیت استراتژیک قرقیزستان بدین خاطر است که حایل بین چین و تاجیکستان است و در همسایگی قزاقستان و ازبکستان قرار دارد. قرار داشتن در مسیر جاده ابریشم و تأثیر پذیری از تاریخ چین به طور قابل ملاحظه‌ای در این کشور وجود دارد. جنوب غربی قرقیزستان به دلیل پیوستگی با دره فرغانه (ازبکستان) و هم‌گرایی‌های فرهنگی و دینی با آن، همواره تحت تأثیر اندیشه‌های اسلام‌خواهی و بنیادگرایی مذهبی و فعالیت‌های جنبش اسلامی ازبکستان در منطقه باتکین و دره پانکیسی و نهضت اسلامی تاجیکستان بوده است. نکته قابل توجه این است که اسلام رادیکال تحت تأثیر نیروهای القاعده در منطقه نفوذ کرده و گاهی اوقات آن را به جمهوری اسلامی ایران مرتبط می‌کنند. رابطه خوب قرقیزستان با ایران و انعقاد قراردادهای مختلف در زمینه‌های گوناگون، حاکی از وجود منافع مشترک دو کشور دارد.<sup>۱۹</sup>

### ۳. تاجیکستان

داشتن مرز مشترک با چین و افغانستان و نزدیکی تاجیکستان به پاکستان و هندوستان، این جمهوری را به صورت دروازه آسیای مرکزی به این کشورها قرار داده است. تاجیکستان قبل از فروپاشی شوروی، با توجه به مشترکات تاریخی شروع به گسترش روابط خارجی با ایران نمود، ولی انحطاط قدرت مرکزی تاجیکستان در سال ۱۹۹۲ به شدت در توسعه مناسبات خارجی، مانع ایجاد کرده و گروه‌های ضد اسلامی در تاجیکستان ادعا

کرده‌اند که ایران تسلیحات نظامی و کالاهای دیگر برای عناصر اسلامی در تاجیکستان تهیه می‌کند. در سالهای ۱۹۹۵، ۱۹۹۶ و ۱۹۹۸، رییس‌جمهور رحمانف در دیدار از تهران تعدادی موافقت‌نامه فرهنگی، اقتصادی و دفاعی امضا نمود. مذاکرات صلح به سرپرستی سازمان ملل، بین دولت تاجیکستان و نمایندگان مخالفان در سالهای ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ در تهران ادامه یافت. در آوریل ۲۰۰۲، تاجیکستان و ایران ۹ پروتکل در زمینه همکاریهای سیاسی، اقتصادی و امور اجتماعی امضا کردند، از این رو مشکل خاصی بین دو کشور وجود ندارد.<sup>۲۰</sup>

## ب. ایران و سطح روابط استراتژیک با دو کشور ترکمنستان و قزاقستان

### ۱. جایگاه استراتژیک ترکمنستان برای ایران

در گذشته ترکمنستان بخشی از خاک ایران بوده است. به این دلیل، نوعی ارتباط درونی به خصوص به لحاظ فرهنگی میان دو کشور وجود دارد.<sup>۲۱</sup> برای ترکمنستان، ایران کشوری با خصوصیات ویژه است و برای ایران، ترکمنستان محیط مناسبی جهت نفوذ در آسیای مرکزی برای کسب اهداف سیاسی-اقتصادی و امنیتی خود قلمداد می‌گردد. به این جهت، ثبات و امنیت در منطقه یک اصل اساسی برای هر دو طرف می‌باشد. ایران به دلایل زیر، ترکمنستان و بهره‌مندی از روابط با آن را، یک اصل اساسی در منافع ملی و سیاست خارجی خود می‌داند:

۱. وجود مرزهای طولانی و مشترک؛
۲. تأثیر اوضاع ترکمنستان بر امنیت ملی ایران؛
۳. پتانسیل اقتصادی این کشور به خصوص در بخش انرژی؛
۴. ریشه‌های تاریخی و فرهنگی و مسلمان بودن اکثریت جمعیت این کشور؛
۵. ترکمنستان به عنوان دروازه ایران در آسیای مرکزی؛
۶. عضویت ترکمنستان در اکو و اهمیت این سازمان برای ایران؛ و
۷. ترکمنستان یک کشور ساحلی دریای خزر است و همین امر نوعی پیوند مشترک

میان دو کشور ایجاد می کند.<sup>۲۲</sup>

## ۲. جایگاه استراتژیک قزاقستان برای ایران

جمهوری اسلامی ایران بنا به دلایل زیر جایگاه خاصی را برای قزاقستان در حوزه آسیای مرکزی قائل است:

۱. شرایط مناسب قزاقستان برای حفظ صلح و امنیت و ثبات در منطقه؛
۲. پتانسیل‌های اقتصادی این کشور به خصوص در مسئله همکاری انرژی؛
۳. عضویت مؤثر این کشور در سازمان کشورهای مشترک المنافع و سازمان امنیت و همکاری اروپا؛
۴. بهره‌مندی از طولانی‌ترین ساحل در دریای خزر و دارا بودن نقش مهم در مسئله تعیین رژیم حقوقی آن؛
۵. وجود منابع و مواد خام مناسب در قزاقستان؛
۶. عضویت قزاقستان در اکو و اهمیت این سازمان برای ایران؛
۷. وجود زمینه‌های فرهنگی با توجه به پیشینه و پیوندهای تاریخی این کشور با ایران؛
۸. توان هسته‌ای و نظامی قزاقستان؛ و
۹. قرار گرفتن این کشور در حلقه ارتباطی اوراسیا و زمینه‌سازی گسترش نفوذ غرب و ناتو به شرق و مرزهای شمال ایران.<sup>۲۳</sup>

## ۳. مقایسه منافع ملی ایران و دو کشور ترکمنستان و قزاقستان

الف. منافع مشترک: منافع مشترک، آن دسته از منافع را دربر می‌گیرد که ایران با هر یک از دو کشور ترکمنستان و قزاقستان در راه رسیدن به آن هم‌سو و هم‌جهت می‌باشد. این منافع به گونه‌ای دو طرف را دارای وابستگی می‌کند که هرگونه تهدیدی به آنان می‌تواند هر دو طرف را در چالشی مشترک قرار دهد. پیمان مشترک نسبت به کسب و تأمین منافع یاد شده نیز منفعت و بهره‌ای را برای هر دو به همراه خواهد داشت. در این خصوص، میان سه

کشور یاد شده اشتراکات ذیل وجود دارد: ۱. مقابله با گسشتنش قاچاق مواد مخدر؛  
۲. همکاریهای اقتصادی؛ ۳. منافع مشترک در راستای سازمان کنفرانس اسلامی؛ و ۴.  
عضویت در اکو.

علاوه بر موارد فوق، ایران با ترکمنستان بر سر تعیین رژیم حقوقی دریای خزر اشتراک  
منافع و بر سر مسئله خط لوله انرژی نیز با قزاقستان اشتراک نظر دارد. به اعتقاد مقامهای  
قزاقستان، ایران به عنوان مناسب ترین، کوتاه ترین و اقتصادی ترین مسیر خط لوله محسوب  
می گردد.<sup>۲۴</sup>

ب. منافع موازی: منافع موازی شامل آن دسته از منافع است که به لحاظ ماهیتی  
یکسان، ولی به لحاظ هدف نهایی و روش رسیدن به آن متفاوت است. این منافع، نوعی  
یکسانی و هم سویی را دربر دارد. اما هدف نهایی هر دو طرف در رسیدن به منافع متفاوت  
است. نوع اتخاذ تصمیمها نیز متفاوت می باشد. در اینجا برای هر سه کشور فوق، به ویژه ایران  
و ترکمنستان صلح و ثبات در افغانستان مهم می باشد. ولی برای دو کشور ایران و قزاقستان دو  
مسئله ذیل نیز از اهمیت اساسی برخوردار است:

۱. صلح و امنیت بین المللی: ایجاد ترتیبات مناسب و لازم برای تحقق صلح و امنیت  
بین المللی، از جمله مواردی است که بخشی از سیاست خارجی کلیه کشورهای جهان را  
تشکیل می دهد، اما تعارض در نوع نگرش به چگونگی دستیابی به این ترتیبات باعث ایجاد  
منافع موازی در این جهت می شود. مدل قزاقستان برای ترتیبات امنیتی بین المللی، منطبق  
با ساختار توزیع قدرت بین المللی و مدیریت قدرتهای بزرگ، به خصوص آمریکا، روسیه و چین  
می باشد. این کشور با ناتو و ترکیه ارتباط نزدیکی دارد و تا حدی در سازمانهای منطقه ای  
(نظیر سازمان کنفرانس اسلامی و یا اکو) مشارکت می کند که به روابط خود با این کشورها  
لطمه نزنند. این مدل، با مدل امنیت منطقه ای و بین المللی ایران که مشارکت تمامی  
کشورهای جهان با استفاده از حقوق برابر را در نظر دارد، یکسان نیست.

۲. کاهش نفوذ روسیه در آسیای مرکزی: ایران و قزاقستان به طور مشترک خواهان

کاهش نفوذ روسیه در آسیای مرکزی هستند، ولی هر یک با نگرش خاص خود به این قضیه می‌نگرند.<sup>۲۵</sup> برای قزاقستان، ترس از احیاء مجدد امپراتوری روسیه، باعث می‌شود تا این کشور ضمن گرایش به آمریکا و کاهش توان هسته‌ای خود، دست به ایجاد ترتیباتی با روسیه بزند که استقلال قزاقستان را تأکید می‌کند. ایران نیز درصدد است ضمن استقبال از کاهش نفوذ تاریخی روسیه در آسیای مرکزی و احساس ضرورت مقابله با احیاء مجدد امپراتوری روسیه، الگوهای فرهنگی، اقتصادی و ارزشی خود را در قزاقستان و دیگر کشورهای منطقه آسیای مرکزی ترویج نماید. این امر، مغایر با تفکرات حاکم بر دولت قزاقستان است که مدل نگاه به غیر و دولت عمل‌گرای لایبک را مورد نظر دارد.<sup>۲۶</sup>

ج. منافع متعارض و اختلاف‌زا: جمهوری اسلامی ایران علاوه بر اینکه نسبت به سیاستها و توان هسته‌ای قزاقستان حساسیت دارد و با سیاست ترکمنستان برای احداث خط لوله نفت و گاز آسیای مرکزی به اروپا مخالفت می‌ورزد، با هر دو کشور یاد شده به صورت ذاتی در دو زمینه ذیل اختلاف دارد:

۱. نوع سیستم سیاسی و حکومتی: وجود دولتهای لایبک در ترکمنستان و قزاقستان به رغم درصد بالای مسلمانان این دو کشور، از جمله مهم‌ترین جنبه‌های تعارض میان دو طرف می‌باشد؛<sup>۲۷</sup>

۲. نفوذ کشورهای فرا منطقه‌ای نظیر ترکیه، اسرائیل و آمریکا در دو کشور یاد شده که برای جمهوری اسلامی ایران یک چالش جدی محسوب می‌شود.<sup>۲۸</sup>

#### ۴. فرصتها و تواناییهای ایران

الف. وضعیت ژئوپلیتیکی: موقعیت و وضعیت ژئوپلیتیک ایران و دسترسی این کشور به آبهای آزاد و دیگر راههای ارتباطی، می‌تواند از جمله مهم‌ترین مواردی باشد که به عنوان فرصتی در برابر کشورهای منطقه به شمار رود.

ب. خط لوله: یکی از مهم‌ترین چالشهایی که کشورهای آسیای مرکزی با آن رو به رو

هستند، مسئله انتقال نفت و گاز این کشورها به خارج از منطقه است. بحث بر سر چگونگی عبور خط لوله باعث تنشهای سیاسی شده است. به عنوان مثال، قزاقستان از جمله کشورهایی است که هنوز به رغم نظرات مخالف آمریکاییان، مناسب ترین مسیر انتقال لوله نفت و گاز حوزه خزر را از ایران می داند. این مسیر که از بندر نکا عبور می کند، از نظر قزاق ها اقتصادی ترین و باصرفه ترین و در عین حال امن ترین مسیر عبور خط لوله است و علت آن، بی ثباتیهای موجود در منطقه قفقاز و داغستان جنوبی است. مهم ترین چالشی که متوجه این امر می باشد، قرارداد باکو-جیحان و عبور خط لوله از بستر دریای خزر است که به شدت مورد حمایت ترکیه و آذربایجان قرار گرفته است.

ج. محوریت ایران در سازمان کنفرانس اسلامی و اکو: اگرچه اغلب کشورهای منطقه، سازمان کنفرانس اسلامی را به عنوان یک ابزار در جهت تحقق بخشی از سیاست خارجی خود می نگرند، ولی در همین حد نیز برخی از آنها تابع سیاستهای ایران در سازمان کنفرانس اسلامی به عنوان یک عضو بانفوذ هستند. در قبال اکو نیز باید تأکید کرد که این سازمان، به شدت وابسته به تصمیمهای اعضای ساختاری آن؛ یعنی ایران، ترکیه و پاکستان است. البته در حال حاضر، بین این سه کشور هماهنگی لازم وجود ندارد. ولی به لحاظ ماهیتی، تصمیماتی که در راستای اکو گرفته می شود، حول محور نظر این سه کشور انجام می گیرد و دیگر کشورهای عضو از توانایی کمتری برخوردارند.

د. فرصتهای فرهنگی: نفوذ فرهنگ ایرانی از دیرباز باعث شده است که ایران توانایی تأثیرگذاری در برخی از قومیتهای منطقه را داشته باشد. این امر در میان جامعه علمی و روشنفکری منطقه نیز به خوبی مشهود است و به رغم حساسیت برخی از روندهای سیاسی نسبت به رابطه با کشورمان که خود ناشی از ملاحظه نظریات و نگرانیهای کشورهای غرب است، به ارتباط با ایران علاقه بسیاری نشان می دهند.

ه. تهدیدهای موجود علیه ایران: در مسئله تهدیدات با توجه به اشتراکات مرزی با ترکمنستان، نا امنیهای ناشی از این کشور برای ایران، عینی تر به نظر می رسند.<sup>۲۹</sup> به صورت خاص می توان به دو مورد زیر پرداخت:



۱. چالشهای اقتصادی: با استقلال جمهوریهای شوروی و به خصوص جمهوری هم‌مرز ترکمنستان، این انتظار می‌رفت که ایران با بیش از ۵۱۰۰ کیلومتر مرز مشترک با آن کشور، بتواند به راحتی وارد بازار این کشور شده و علاوه بر استفاده از بازارهای داخلی این کشور به دیگر کشورهای آسیای مرکزی نیز دست پیدا کند. اما امروزه این خواسته محقق نشده و در عوض، کشورهایی دیگر حضور گسترده‌ای را در ترکمنستان تجربه می‌کنند و مرز گمرکی سرخس در شمال شرق مشهد و مرزهای گمرکی لطف‌آباد و باجگیران در شمال قوچان هریک با مشکلات بسیاری دست به‌گریبان شده‌اند. تلاش غرب برای احداث محور «تراسیکا» که عبور کالا از مسیری غیر از ایران را در نظر دارد، از جمله موارد دیگر چالش برانگیز دو کشور است. تجارت چمدانی نیز که زمانی برای صادرات غیرنفتی در نظر گرفته می‌شد، اکنون به دلیل مخالفت مقامهای ترکمنستان بی‌اثر شده است.

۲. مشکلات مناطق مرزی: مناطق مرزی ایران و ترکمنستان به دلیل وجود اقلیتهای قومی نظیر ترکمن‌ها، دارای پیچیدگیهای امنیتی فراوان است. این منطقه، آبستن حوادث ناشی از تعارضات ساختاری است. شکافهای قومی می‌تواند زمینه‌ساز اختلافات مرزی شده و در نهایت، درگیریهایی را ایجاد کند. در عین حال، تهدیدهای زیست‌محیطی به دلیل پایین بودن سطح بهداشت این کشور، خطرات مهمی را متوجه ایران می‌کند. تهدیدهای قزاقستان علیه ایران را نیز می‌توان در موارد ذیل برشمرد:

الف. عدم هماهنگی بر سر رژیم حقوقی دریای خزر: قزاقستان بر سر رژیم حقوقی دریای خزر و چگونگی بهره‌برداری از منابع بستر و زیربستر این دریا با ایران در شرایط عدم هماهنگی قرار دارد.<sup>۳۰</sup>

ب. انرژی هسته‌ای قزاقستان: مسئله انتقال توان هسته‌ای و استفاده از نیروگاههای اتمی و پایگاه فضایی بایکنور و ذخایر عظیم اورانیوم، می‌تواند به عنوان یک موضوع چالش برانگیز در منطقه مطرح باشد.

ج. نفوذ قدرتهای بزرگ: اساساً قزاقستان یک کشور غرب‌محور است و این امر می‌تواند برای کشوری نظیر جمهوری اسلامی ایران چالش برانگیز باشد.

وجه مشترک تهدیدهای دو کشور علیه ایران علاوه بر نفوذ کشورهای فرامنطقه ای و عوامل مطروحه در بخش منافع متعارض و اختلاف زا، ویژگی اسلام ستیزی آنها می باشد. از دیدگاه نظربایف، رییس جمهوری قزاقستان، امنیت داخلی کشورش می تواند با مسایلی نظیر نفوذ کشورهای اسلامی و بنیادگرایی اسلامی به خطر افتد. از نظر قانون اساسی ترکمنستان نیز ایدئولوژی و اسلام مهم ترین عامل جهت برهم زدن ثبات داخلی کشور است. ثبات داخلی و صلح به عنوان مهم ترین هدف در قانون اساسی این کشور مطرح است. بر این اساس حاکمان دو کشور و به طور کلی منطقه، تلاش دارند تا کنترل مذهب را در دست خود بگیرند و حاکمیت غیرمذهبی را رواج دهند. از نظر آنها، حکومت لاییک می تواند بیشترین منافع را برای کشورشان به ارمغان آورد. این امر نوعی هم سویی با منافع غرب نیز می باشد که سعی می کند از نفوذ اسلام انقلابی به سبک ایران در منطقه جلوگیری نماید.<sup>۳۱</sup> در عین حال، تجربه جنگ داخلی در تاجیکستان باعث گردید تا کشورهای منطقه برای جلوگیری از خطر نفوذ عامل بی ثباتی این جنگ، مدل های غیراسلامی را در نظر بگیرند. این امر کاهش نفوذ ایران را در پی خواهد داشت و می تواند زمینه نفوذ کشورهای غربی را فراهم آورد.<sup>۳۲</sup>

##### ۵. سناریوهای آتی در روابط ایران با منطقه

با توجه به نوع روابط ایران با منطقه و به صورت خاص با دو کشور ترکمنستان و قزاقستان، در آینده میان مدت، نمی توان انتظار برخورد فیزیکی و جنگ میان دو طرف را داشت. با این حال می توان سه سناریوی زیر را در روابط دو طرف مطرح کرد:

الف. همکاری و تعامل: در این سناریو، روابط دو طرف در حوزه های اقتصادی گسترش می یابد و ساختارهای درونی آنها، نقش مکمل را به خود می گیرند. دو کشور ترکمنستان و قزاقستان در زمینه رژیم حقوقی دریای خزر، تاحدودی به سمت ایران گرایش پیدا کرده و مسیر ایران را برای عبور خط لوله انتقال نفت ترجیح خواهند داد. در عین حال، دو طرف نقش فعال تری را در اکو ایفا می کنند و این نقش را از حوزه های اقتصادی به حوزه امنیت منطقه ای

و بین‌المللی گسترش می‌دهند. در این حالت، کشورهای منطقه دارای سیاستی مستقل از نفوذ قدرتهای بیگانه بوده و در تصمیم‌گیریها، تنها منافع خودشان را در نظر می‌گیرند. مخالفت با عبور خط لوله از مسیر دریای خزر و هماهنگ ساختن نگرشها در قبال افغانستان، از جمله موارد نزدیکی بیشتر دو طرف به حساب می‌آید.

ب. همکاری و رقابت: دو طرف در این حالت به روابط در حوزه اقتصادی می‌پردازند، ولی کشورهای مقابل ایران سعی می‌کنند تا در معاملات اقتصادی خود نقش برتر را به کشورهای نظیر اسرائیل و ترکیه بدهند. ایران در جهت یافتن جایگاه خود در معاملات منطقه، با روسیه روبه‌رو بوده و بسیاری از فرصتها را نیز از دست می‌دهد. ایران در مسئله رژیم حقوقی دریای خزر با دو کشور ترکمنستان و قزاقستان به توافق مشخصی نمی‌رسد، اما در مسئله نفت و گاز همچنان به رابطه با یکدیگر ادامه می‌دهند. در این حالت صلح و ثبات منطقه منوط به اعمال همکاری بین دو طرف است.

ج. الگوی تعارض: در این حالت، کشورهای منطقه از کلیه توان خود برای دفع خطر اسلام‌گرایی استفاده کرده و سعی می‌کنند از اهرم قدرتهای بزرگ برای مهار ایران استفاده نمایند.<sup>۳۳</sup> در عین حال، خودشان به صورت ابزار این قدرتها با ایران به مخالفت پرداخته و سعی می‌کنند مانع کسب منافع از سوی این کشور در دریای خزر شوند و از عبور خط لوله نفت دریای خزر از مسیر ایران جلوگیری نمایند. در این حالت کشورهای آسیای مرکزی به عنوان کانون مخالفت با ایران درمی‌آیند و صلح و ثبات منطقه را منوط به مهار ایران می‌دانند. یک چنین مدلی تنها در صورت عدم توفیق ایران در انجام دیپلماسی موفق در جهان، به خصوص در ارتباط با اروپا، روسیه و چین ممکن است.

سه سناریوی فوق را می‌توان به کل منطقه آسیای مرکزی تعمیم داد و سیر روابط ایران با کشورهای مذکور را در قالب الگوی پیشنهادی اول یعنی همکاری و تعامل به شرح ذیل بررسی نمود.

## راه‌های گسترش همکاری جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آسیای مرکزی

سیاست راهبردی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی از ابتدای استقلال کشورهای آسیای مرکزی بر اساس اعتماد سازی، تقویت صلح پایدار، بهره برداری از منابع طبیعی و تبدیل منطقه به منطقه آرامش تعریف شده است.<sup>۳۴</sup> رویکرد دولت جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی، رویکردی اقتصادی بوده و با تکیه بر سیاست تنش زدایی، اعتماد سازی، شفاف سازی و پذیرش نقش محوری کار با دولت‌ها و با هدف ایجاد پیوندهای اقتصادی زیربنایی و ساختاری و ادغام اقتصاد کشورهای منطقه با اقتصاد ایران، سرمایه گذاری و مشارکت در طرح‌ها و پروژه‌های زیر بنایی (انرژی، حمل و نقل) در کشورهای منطقه در اولویت دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. چنانچه در دولت آقای خاتمی هم زمان به ایجاد زیر ساخت و تقویت و افزایش توان و ظرفیتهای اقتصادی، بازرگانی و امکانات ریلی، بندری، حمل و نقل جاده‌ای، خطوط کشتیرانی و خط لوله نفت و گاز در داخل کشور، جهت انتقال مواد خام و انرژی منطقه به آبهای آزاد اقدام شده است.<sup>۳۵</sup> دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران بر اساس واقعیت‌های منطقه، اعتقاد دارد که الگوی دوستی در منطقه وزن سنگین تری نسبت به الگوی اختلاف دارد، در نتیجه هدف گذاری در سیاست‌های ملی بر محور همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای را حکم طبیعی عقل تلقی نموده و همواره در مناسبات با کشورهای منطقه آن را مورد نظر قرار داده است. این رویکرد جمهوری اسلامی ایران، موجب تقویت و توسعه مناسبات با کشورهای آسیای مرکزی در زمینه‌های سیاسی، نظامی و امنیتی، اقتصادی، علمی و فرهنگی شده است که در زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱. سیاسی، نظامی و امنیتی

الف. سیاسی: تعمیق و گسترش مناسبات رسمی با دولت‌های آسیای مرکزی در قالب سفرهای مقامات عالی رتبه ایرانی و امضاء قراردادهای دوجانبه و سه جانبه به طوری که تاکنون ۴۲ نوبت رؤسای جمهور ایران و کشورهای آسیای مرکزی به کشورهای یکدیگر سفر

داشتند. ۲۷ نوبت سفر رؤسای جمهور منطقه به ایران و ۱۵ نوبت سفر رؤسای جمهور ایران به منطقه بوده که در این بین ۸ نوبت آقای هاشمی و ۷ نوبت آقای خاتمی به کشورهای منطقه سفر نمودند. تاکنون در حدود ۴۵۰ سند همکاری دوجانبه و سه جانبه بین ایران و کشورهای منطقه به امضاء رسیده است.

ب. نظامی: در این خصوص شاهد دو مورد هستیم: ۱. اعزام وابستگان نظامی به کشورهای تاجیکستان و ترکمنستان؛ و ۲. عقد قرارداد خرید و فروش تجهیزات دفاعی و نظامی با کشورهای منطقه (خرید هواپیما از ازبکستان).

ج. امنیتی: در این رابطه دو مورد مشاهده شده است: ۱. برقراری همکاریهای امنیتی با کشورهای منطقه؛<sup>۳۶</sup> و ۲. امضاء سند همکاریهای امنیتی با کشورهای تاجیکستان و ترکمنستان و مذاکره با دیگر کشورهای منطقه در این خصوص.<sup>۳۷</sup>

## ۲. اقتصادی

الف. نفت و گاز: راه اندازی فازهای ۱ و ۲ خط لوله انتقال نفت نکا - ری و افزایش سوآپ نفت منطقه از جمله کارهای مهم در زمینه نفت و گاز محسوب می شود. با افتتاح این طرح، ظرفیت سوآپ نفت منطقه از مسیر ایران از ۱۷۰ هزار بشکه در روز در سال ۲۰۰۰ به بیش از ۳۷۰ هزار بشکه در روز در سال ۲۰۰۵ افزایش یافت. با راه اندازی فاز ۳ این رقم به ۵۰۰ هزار بشکه در روز خواهد رسید. در سال ۸۳ بیش از ۵۰۰ میلیون تن نفت از طریق ایران انتقال داده شد. هزینه انتقال هر تن نفت از ایران ۱۸/۵ دلار و از طریق روسیه در حدود ۳۵ دلار است. نفت خام منطقه پس از عبور از خط لوله ایران در تهران و تبریز تصفیه می شود. هم اکنون بندر نکا دارای سه اسکله نفتی است که هم زمان سه کشتی قادر به تخلیه بار و کالا هستند و دو اسکله هم در حال ساخت است تا پنج کشتی بتوانند هم زمان تخلیه و بارگیری کنند. این موارد عبارتند از:

۱. احداث خط لوله گاز کردیچه - کردکوی به ارزش ۱۶۰ میلیون دلار؛
۲. پیگیری طرح احداث خط لوله K.T.I (قزاقستان، ترکمنستان و ایران) در حاشیه شرقی خزر جهت انتقال نفت دریای خزر.<sup>۳۸</sup>

ب. حمل و نقل و ترانزیت: ساخت و تکمیل راه آهن سراسری مشهد - بافق در اردیبهشت ۸۴ انجام پذیرفت. این شبکه راه آهن به طول ۸۰۰ کیلومتر و با هزینه ای بالغ بر ۴۵۰ میلیارد ریال (در طول ۴ سال) ساخته شد. این خط آهن، راه اتصال کشورهای منطقه به آبهای آزاد را ۸۰۰ کیلومتر نزدیک تر و هزینه حمل کالا را یک سوم کاهش داده است. هم اکنون این مسیر، سالانه ظرفیت جابه جایی ۱۰ میلیون تن کالا و ۲ میلیون مسافر را دارد. راه آهن بافق - بندر عباس به طول ۷۰۴ کیلومتر در سال ۷۳ و مشهد - سرخس در سال ۷۵ به طول ۱۶۸ کیلومتر ساخته شد. حضرت آیت الله خامنه ای، مقام معظم رهبری، در دیدار با مسئولین وزارت راه و ترابری (دی ماه ۷۵) درباره اهمیت این خط آهن گفت: «اگر بافق - مشهد را نسازید، ۵۰ درصد راه آهن سرخس بدرد نخواهد خورد. اگر هدف از ساختن راه آهن مشهد - سرخس، اتصال به آسیای مرکزی می باشد، این راه آهن باید ساخته شود برای آنکه آسیای مرکزی می خواهد به اقیانوس هند متصل شود.»

در جدول زیر میزان فاصله کشورهای آسیای مرکزی تا آبهای آزاد از مسیر جدید مشخص شده است.

جدول شماره ۱

مبدأ	آستانه	آلمانی	دوشنبه	تاشکند	عشق آباد	بیشکگ
فاصله تا بندرعباس (کیلومتر)	۴۴۸۷	۳۷۸۴	۲۸۹۸	۲۷۹۴	۲۰۱۰	۳۵۰۱

منبع: وزارت راه و ترابری، (۱۳۸۴)؛ تهران .

اتصال بندر امیرآباد به شبکه راه آهن سراسری به طول ۲۰ کیلومتر در سال ۱۳۷۹ انجام پذیرفت<sup>۳۹</sup> و امضای موافقت نامه سه جانبه حمل و نقل با ازبکستان و افغانستان از یک طرف، و با تاجیکستان و افغانستان از طرف دیگر در سال ۸۲ شکل گرفته است. از جمله کارهای مهم دیگر، ترانزیت برق ترکمنستان به ترکیه از طریق ایران است. ظرفیت سالیانه این خط ۷۰ مگاوات است که از سال ۸۲ آغاز و هم اکنون سالیانه ۳۰۰ میلیون کیلووات ساعت برق ترانزیت می گردد و ایران بابت انتقال هر کیلووات ساعت برق ۶۵ سنت حق ترانزیت دریافت می کند.<sup>۴۰</sup>

ج. برگزاری اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی و کنسولی با کشورهای منطقه: تاکنون ۳۶ اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی ایران با کشورهای آسیای مرکزی؛ از جمله، با ازبکستان ۶، تاجیکستان ۷، قرقیزستان ۷، قزاقستان ۸ و ترکمنستان ۸ اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی، برگزار شد. همچنین تاکنون ۱۲ اجلاس کنسولی مشترک بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی؛ از جمله، با ازبکستان ۱، تاجیکستان ۲، قرقیزستان ۲، قزاقستان ۳ و ترکمنستان ۴ اجلاس مشترک کنسولی، برگزار شد.<sup>۴۱</sup>

د. افزایش حجم مبادلات تجاری بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی: حجم مبادلات تجاری ایران با منطقه از ۲۳۸ میلیون دلار در سال ۷۳ به یک میلیارد و ۵۹۷ میلیون دلار در سال ۸۳ افزایش یافته است (جدول ۲).

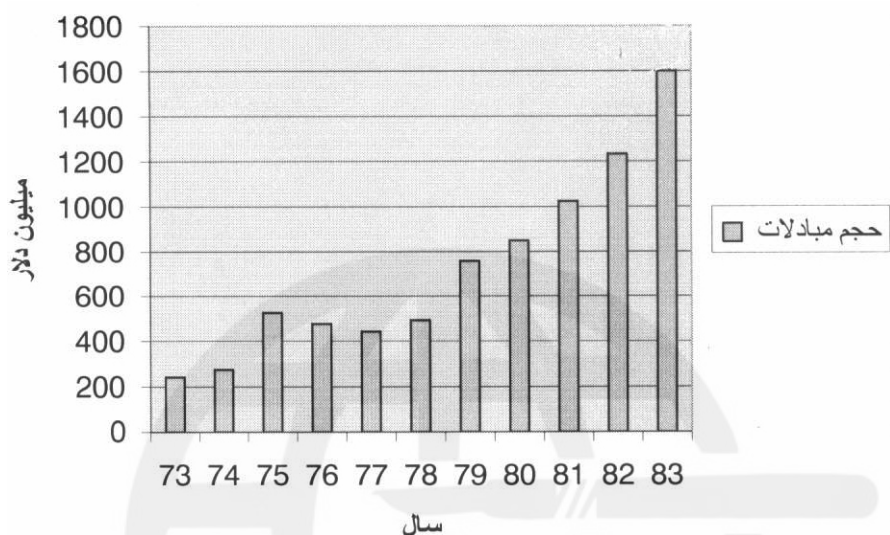
جدول شماره ۲

سال	ازبکستان	تاجیکستان	ترکمنستان	قرقیزستان	قزاقستان	جمع
۱۳۷۳	۵۰	۹/۲	۱۰۰	۳۶	۴۳	۲۳۸/۲
۱۳۷۴	۸۵	۱۲	۵۸	۴۱	۷۸	۲۷۴
۱۳۷۵	۱۴۸	۲۳/۵	۱۳۳	۶۰	۱۵۷	۵۲۱/۵
۱۳۷۶	۱۲۱	۳۲/۳	۱۵۵	۳۴	۱۳۲	۴۷۳/۳
۱۳۷۷	۸۲	۳۰	۱۹۰	۲۶	۱۱۶	۴۴۴
۱۳۷۸	۶۹	۲۴	۲۱۸	۲۹	۱۵۵	۴۹۵
۱۳۷۹	۱۳۰	۳۵	۱۸۵	۴۱	۳۶۸	۷۵۹
۱۳۸۰	۱۸۷	۴۰	۲۹۰	۲۸	۳۰۴	۸۴۹
۱۳۸۱	۲۰۶	۶۹	۴۵۰	۳۴/۵	۲۶۹	۱۰۲۸/۵
۱۳۸۲	۱۷۵	۹۰	۶۰۰	۳۷/۶	۳۳۳	۱۲۳۵/۶
۱۳۸۳	۲۳۶	۹۰/۸	۹۳۷	۳۸/۶	۲۹۵	۱۵۹۷/۴
۱۳۸۴	۱۰۰	۴۰	۳۵۰	۲۰	۱۴۰	۶۵۰

جدول ۲. حجم مبادلات تجاری ایران با کشورهای آسیای مرکزی (۱۳۷۳-۱۳۸۴)، آمار از سازمان گمرک جمهوری اسلامی ایران (ارزش مبالغ به میلیون دلار)، در اینجا (صفحه بعد) به نمودار حجم مبادلات تجاری ایران و کشورهای آسیای مرکزی بین سالهای ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۳ که توسط نگارنده تنظیم گردیده، اشاره می شود (نمودار ۱).



نمودار ۱: آینده نگری به سامانه های انرژی، (۱۳۸۴)، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه



ر. صدور خدمات فنی و مهندسی و تأسیس بانکهای ایرانی: از ۲/۷ میلیارد دلار صادرات خدمات فنی و مهندسی ایران در سال ۲۰۰۳، نزدیک به ۵۰۰ میلیون دلار به کشورهای آسیای مرکزی اختصاص دارد. همچنین شعب بانکهای تجارت، صادرات و توسعه صادرات ایران در کشورهای منطقه تأسیس شده است.<sup>۴۲</sup>

### ۳. علمی و فرهنگی

ایران با تأکید بر سیاست شفاف سازی، اجتناب از حساسیت فرهنگی، تلاش در جهت قانونمندی سازی همکاریها و پرهیز از اقدامات مخفی در این زمینه، به توسعه روابط فرهنگی با کشورهای منطقه توجه نموده است.<sup>۴۳</sup> اهم اقدامات در این زمینه عبارتند از: مساعدت در روند هویت سازی با رعایت اصل حفظ آثار و مفاخر ایرانی، تأسیس اتاق فرهنگ و مطبوعات ایران در دانشگاهها و مراکز فرهنگی کشورهای منطقه، افزایش همکاریهای دانشگاهی و ارزیابی مدارک دانشگاهی یکدیگر، برگزاری دوره های آموزش و بازآموزی زبان فارسی، اعطای

بورسیه‌های تحصیلی و تبادل گروه‌های علمی و دانشجویی، برگزاری هفته فرهنگی (نمایشگاه کتاب، پخش فیلم و اجرای موسیقی)، اعزام گروه‌های مختلف موسیقی به کشورهای منطقه و برگزاری همایش‌های مشترک علمی و فرهنگی.

### نتیجه‌گیری

آسیای مرکزی به عنوان بخشی از گستره حوزه تمدنی ایران، از جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. وجود اشتراکات و پیوندهای تاریخی، فرهنگی و دینی بین ایران و آسیای مرکزی و نیز پتانسیل‌های عظیم نفت و گاز، جمعیت زیاد، بازار مناسب برای کالای ایرانی و از همه مهم‌تر محصور بودن این منطقه در خشکی و استفاده از فضا و قلمرو ایران به عنوان اقتصادی‌ترین مسیر برای این کشورها، فرصت‌های بالقوه‌ای را پیش روی جمهوری اسلامی ایران قرار داده و به نوعی موجب شده است زمینه‌های متنوع و گسترده‌ای برای تعمیق و گسترش روابط فیما بین فراهم گردد. فروپاشی شوروی و استقلال پنج جمهوری آسیای مرکزی در دسامبر ۱۹۹۱ و تنگناهای جغرافیایی، بحران محیط زیست و بحران‌های سیاسی و فرهنگی (بحران هویت، مشروعیت، نفوذ، مشارکت، توزیع و بحران‌های قومی) که این کشورها با آن مواجه هستند و نیز قاچاق اسلحه، مواد مخدر، تروریسم، جنایات سازمان یافته، افراط‌گرایی مذهبی از نوع طالبان و حضور قدرتهای خارجی به ویژه آمریکا و اسرائیل در منطقه، تهدیدهای فرازوی جمهوری اسلامی است که امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را به چالش می‌کشد.

جمهوری اسلامی در راستای دستیابی به اهداف کلان سیاست خارجی که حفظ و تأمین امنیت و منافع ملی است، اقدام به برقراری روابط در سال ۹۱ میلادی با کشورهای آسیای مرکزی نمود. نگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی بعد از فروپاشی شوروی به منطقه آسیای مرکزی را شاید بتوان در چهار رویکرد خلاصه نمود. رویکرد اول، رویکرد ایدئولوژیکی بوده که با واقعیت‌های موجود، شرایط اجتماعی و اولویت این کشورها تناسبی نداشته است و در عمل ناکارآمد شد و از دستور کار روابط ایران با کشورهای منطقه حذف گردید. رویکرد

دوم، رویکرد فرهنگی بوده که این نگاه نیز با توجه به عدم هم‌پوشیهای زبانی و مذهبی با ایران (ترک زبان و سنی مذهب بودن کشورهای منطقه)، نفوذ فرهنگی ترکیه و اشتراکات فراوان این کشور با شرایط فرهنگی این منطقه و فقدان راهبرد و برنامه ریزی مشخص و دقیق از سوی ایران کم‌رنگ شده است تا جایی که در حال حاضر اولویت اول ایران محسوب نمی‌شود. رویکرد سوم، رویکردی سیاسی بوده که تلاش کشورمان به تقویت صلح و ثبات در منطقه معطوف بوده و در این راستا چهار دور مذاکرات صلح بین دولت تاجیکستان و اپوزیسیون در جمهوری اسلامی ایران برگزار شد. رویکرد چهارم، رویکردی اقتصادی است. این رویکرد بر اساس سیاست تنش زدایی، اعتمادسازی، شفاف‌سازی و رفع هرگونه سوءظن در زمینه‌های سیاسی-امنیتی، فرهنگی و اقتصادی و جلب اعتماد کشورهای منطقه، پذیرش نقش محوری کار با دولت‌ها، پرهیز از هرگونه آرمان‌گرایی و خودداری از ورود به رقابت با دیگر کشورها به ویژه روسیه و تطابق امکانات، ظرفیت‌ها و مزیت‌های فرهنگی و اقتصادی کشورمان و نیز ایجاد پیوندهای اقتصادی زیربنایی و ساختاری با هدف ادغام و پیوند اقتصادی کشورهای منطقه با اقتصاد ایران از طریق سرمایه‌گذاری و مشارکت در طرح‌ها و پروژه‌های زیربنایی (انرژی، حمل و نقل) در کشورهای منطقه در دستور کار روابط ایران با کشورهای منطقه قرار گرفت. همچنین هم‌زمان، افزایش توان و ظرفیت‌های اقتصادی، بازرگانی و امکانات ریلی، بندری، حمل و نقل، خطوط کشتیرانی و خط لوله نفت و گاز در داخل کشور جهت انتقال مواد خام و انرژی منطقه به آب‌های آزاد، مورد توجه جدی دولت جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. در نتیجه، ایران و آسیای مرکزی ممکن است با توسل به یک رویکردی اقتصادی به یک هم‌سویی راهبردی دست یابند.

## پاورقیها:

۱. عزت اله عزتی، ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۱، ص ۴۳.
۲. جواد اطاعت، ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران، تهران: نشر سفیر، ۱۳۷۶، ص ۲۴.
۳. منصور بدری فر، «آسیای میانه (کلیات جغرافیایی)»، ویژه نامه سپهر، تهران، ۱۳۷۲، شماره ۳، ص ۲۵.
۴. پیروز مجتهد زاده، «جغرافیا و سیاست در دنیای واقعیتها»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۱۳۷۶، شماره های ۱۲۰-۱۱۹، ص ۳۵.
۵. تیو شوکویی، «موقیت ژئوپلیتیک و اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی در دهه ۹۰ و چشم انداز توسعه آنها»، ترجمه شاهرخ بهار، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۳، شماره ۵، ص ۱۱۱.
۶. غلامحسین حیدری، ویژگیهای ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی وزارت دفاع، ۱۳۷۲، ص ۱۱۴.
۷. سید عطاءاله تقوی، ژئوپلیتیک جدید ایران از قزاقستان تا گرجستان، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹، ص ۳۷.
۸. دره میرحیدر، ریشه های تاریخی مسایل جغرافیای سیاسی امروز، «مجموعه مقالات جغرافیایی کشورهای آسیای مرکزی، ویژه نامه سپهر، ۱۳۷۲، ص ۸.
۹. مصطفی مهاجرانی، «جغرافیای اقتصادی منطقه آسیای مرکزی»، «مجموعه مقالات جغرافیایی کشورهای آسیای مرکزی، ویژه نامه سپهر، ۱۳۷۲، ص ۴۲.
۱۰. صنم کازرونی، آسیای مرکزی و آینده مبهم، تهران: نشر گزینش، ۱۳۷۶، ص ۱۲.
۱۱. احمد نقیب زاده، «رقابتهای قدرتهای منطقه در آسیای مرکزی»، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ۱۳۷۶، شماره های ۱۲۰-۱۱۹، ص ۴۶.
۱۲. حبیب اله ابوالحسن شیرازی، «منافع ملی آمریکا در آسیای مرکزی در رقابت با روسیه»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۹، ۱۳۷۹، ص ۴۷.
13. Annette Bohr, "Regionalism in Central Asia: New Geopolitics, Old Regional Order," *International Affairs*, Vol. 80, No. 3, 2004, p. 57.
14. Kenneth Waltz, *Theory of International Politics*. Reading, Mass: Adison-Wesley, 1979, p. 124.
15. Richard Rosecrance, *International Politics: Peace and War*, New York: McGraw-Hill, 1973, p. 16.
16. Eastern Europe, *Russia and Central Asia*, London: Europa Publications, 2002, p. 484.
۱۷. الهه کولایی، اگو و هم گرایی منطقه ای، تهران، مرکز نشر پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۷۹، ص ۱۲.

18. The Europa World Year Book, 2002.
19. Mohammadreza Hafeznia, "Strategic Role of the Caucasus-Central Asia in Global Competition," *Amu Darya*, Vol. 7, No. 14, 2003, p. 42.
20. Turkmenistan in [www.eia.doe.gov/emeu/cabs/turkmen](http://www.eia.doe.gov/emeu/cabs/turkmen), 2005, p. 3.
۲۱. صادق ملک شه میرزادی، تاریخ تمدنهای آسیای مرکزی، تهران: انتشارات امور خارجه، ۱۳۷۵، ص ۳.
22. Kazakhstan in [www.eia.doe.gov/emeu/cabs/turkmen](http://www.eia.doe.gov/emeu/cabs/turkmen), 2005, p. 2.
۲۳. حبیب اله ابوالحسن شیرازی؛ محمدرضا مجیدی، سیاست و حکومت در آسیای مرکزی، تهران: انتشارات قومس، ۱۳۸۲، ص ۱۷۸.
۲۴. ادموند هرزیک، ایران و حوزه جنوبی شوروی سابق، ترجمه: کاملیا احتشامی، تهران: دفتر مطالعات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵، ص ۱۷۵.
۲۵. الهه کولایی، اتحاد شوروی از تکوین تا فروپاشی، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲، ص ۴۱.
26. Zeba Moshaver, "Central Asia and Iran's Northern Policy," *The Oxford International Review*, 1994, p. 48.
۲۷. آلکساندر بنیگسن؛ مری براکس آپ، مسلمانان شوروی: گذشته، حال و آینده، ترجمه: کاوه بیات، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۱۲.
۲۸. مهرداد محسنین، «نقش منطقه ای ایران در آینده آسیای مرکزی و قفقاز»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۹، ۱۳۷۵، ص ۶۷.
۲۹. عنایت اله رضا، ایران و ترکمان در روزگار ساسانیان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵، ص ۴۲.
30. Kamal Kharrazi, "Regional Power in Conflict Resolution and Economic Development," *Amu Darya*, Vol. 4, No. 1, 1999, p.11.
۳۱. رویا منتظمی، «نقش ایران در نظام جدید آسیای مرکزی و جنوب آسیا»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره های ۷۵ و ۷۶، ۱۳۷۲، ص ۲۶.
32. Edmund Herzig, "Regionalism, Iran and Central Asia," *International Affairs*, Vol. 80, No. 3, 2004, p. 115.
۳۳. عنایت اله رضا، «موانع توسعه در جمهوریهای آسیای مرکزی و قفقاز»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴، ۱۳۷۳، ص ۱۱.
۳۴. محمود سریع القلم، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: باز بینی نظری و پارادایم ائتلاف، تهران: نشر مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۷۹، ص ۵.
۳۵. الیواروا، «سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۶، ۱۳۸۰، ص ۳۵.

۳۶. فردیک استار راس، «نیازهای امنیتی آسیای مرکزی و راههای تازه برای برآوردن آنها»، ترجمه: بهمن برزگر، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره های ۱۷۸-۱۷۷، ۱۳۸۱، ص ۱۲.
۳۷. عزت اله عزتی، جغرافیای نظامی ایران، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۸، ص ۴۲.
۳۸. هرام امیر احمدیان، «ایران و دریای خزر در چشم اندازی ژئوپلیتیک»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۵، ۱۳۸۰، ص ۲۴.
۳۹. رضا بیگدلی، «موقعیت ترانزیت جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۷، ۱۳۸۱، ص ۵۱.
۴۰. مهدی صفری، ساختار و تحولات سیاسی در فدراسیون روسیه و روابط با جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴، ص ۱۶.
۴۱. خسرو نورمحمدی، «روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز»، مجموعه مقالات سمینار، نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵، ص ۱۲۴.
۴۲. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، آینده نگری به سامانه های انرژی، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴، ص ۴۷.
۴۳. پرویز ورجاوند، «ایران و خراسان بزرگ و جمهوریهای آسیای مرکزی»، مجله سیاسی اقتصادی، ش ۸۸-۸۷، ۱۳۷۴، ص ۱۰.